



گفتاری از آیت الله مظاهری؛ نقش حضرت زینب(س) در احیای تشیع / زینب(س)، مظهر وظیفه شناسی است

برخورداری از شجاعت، حتی در مرتبه اول آن، این توان را به انسان می‌دهد که پس از تشخیص وظیفه، به آن وظیفه عمل نماید و هراسی از موانع انجام وظیفه نداشته باشد. حضرت زینب(س) چنین بود.

برخورداری از شجاعت، حتی در مرتبه اول آن، این توان را به انسان می‌دهد که پس از تشخیص وظیفه، به آن وظیفه عمل نماید و هراسی از موانع انجام وظیفه نداشته باشد. حضرت زینب(س) چنین بود.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله مظاهری در مورد حضرت زینب(س) است که از نظر می‌گذرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»

نقش حضرت زینب(ع) در احیای تشیع

امام حسین «سلام‌الله‌علیه» برای احیای اسلام و تشیع قیام کردند. طبق گواهی تاریخ، پس از شهادت ایشان، طولی نکشید که ریشه بنی‌امیه خشکید و اسلام عزیز باقی ماند. از این جهت، تردیدی وجود ندارد که بقای اسلام و احیای تشیع مرهون شهادت امام حسین «سلام‌الله‌علیه» است. اما باید توجه داشت که پس از شهادت امام حسین «سلام‌الله‌علیه»، نوبت به امام سجاد «سلام‌الله‌علیه»، حضرت زینب «سلام‌الله‌علیه» و اهل بیت امام رسید که با اسارت خود، موج شهادت و وقایع جانسوز کربلا را سراسری کنند. در واقع، اگر قضیه اسارت رخ نمی‌داد، موج کربلا در جهان منتشر نمی‌شد. پس از اسارت نیز موج شهادت، با عزاداری عالم‌گیر شد. در واقع، حرکت حسینی، ابتدا با اسارت و سپس با عزاداری شیعیان، جاودان و سراسری شد و همیشه باقی خواهد ماند. از این رو می‌توان گفت: شهادت، اسارت و عزاداری در یک راستا هستند.

در این جلسه لازم است با توجه به نقش مهم و محوری حضرت زینب «سلام‌الله‌علیه» در جریان اسارت و حقی که آن بانوی نمونه به تشیع دارند، قدری راجع به شخصیت ایشان صحبت کنیم.

حضرت زینب(ع)، قافله سالار اسرای کربلا

حضرت زینب «سلام‌الله‌علیه» با تلاش و فداکاری فراوان، سفر اسارت را بسیار خوب اداره کرده، به ثمر رسانیدند. از این جهت، تشیع، مرهون زحمات آن بانوی بزرگوار است.

البته در این میان نباید از نقش اساسی امام سجاد «سلام‌الله‌علیه» در بقای تشیع غافل شد؛ چراکه آن حضرت در مدت سی و چهار سال بعد از شهادت امام حسین «سلام‌الله‌علیه»، برای احیا و پرورش حرکت حسینی تلاش کردند و در آن دوران، تشیع را در بین مردم جا انداختند و باعث شدند که شجره طیبیه قرآن، به بار بنشیند. اما در روز عاشورا مصلحت تشیع در بیماری امام سجاد «سلام‌الله‌علیه» بود؛ زیرا بیماری، مانع شهادت ایشان و عامل باقی ماندن امامت شد.

به هر حال، حضرت زینب «سلام‌الله‌علیه» در دوران اسارت، قافله سالار کاروان اسرا بودند و زیر نظر ولایت امام سجاد «سلام‌الله‌علیه»، اهداف اسارت را دنبال کردند. در حقیقت، اگر زینب نبود، نتایج متعالی از اسارت به دست نمی‌آمد و اهداف اصلی قیام امام حسین «سلام‌الله‌علیه» محقق نمی‌شد.

شایستگی حضرت زینب(ع) برای به ثمر نشاندن قیام عاشورا

قافله سالاری کاروان اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» و به ثمر نشاندن خون شهدای مظلوم کربلا، لیاقت خاصی می‌طلبید که حضرت زینب «سلام‌الله‌علیه» از آن لیاقت برخوردار بود. در حقیقت، حضرت زینب برای پیروزی در وظیفه خطیر و عظیمی که بر عهده داشت و نیز برای نتیجه گیری از شهادت و اسارت، نیازمند برخورداری از فضائل نیکوی اخلاقی و صفات حسنه اخلاقی بود. به عبارت دیگر، قافله سالار اسرای کربلا باید به صفاتی همچون صبر، گذشت، وفا، اخلاص، ایثار و از جمله شجاعت، متصف باشد و زینب مظلومه چنین بود.

ایشان، قضیه کربلا و وظایف خویش را در دوران طفولیت، از مادر گرامی خویش حضرت زهرا «سلام الله علیها» آموخته بود. مثلاً طبق آنچه در برخی مقاتل آمده است، حضرت زهرا «سلام الله علیها» پیراهنی که با دست مبارک خود، رشته و بافته و دوخته بودند، به زینب دادند که وقت وداع، به برادر بدهد و از طرف مادر، زیر گلوی او را نیز ببوسد. امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» نیز دختر خویش را از واقعه کربلا آگاه ساخته بودند. پس، حضرت زینب «سلام الله علیها» از کودکی برای این حرکت سرنوشت ساز تربیت شده و برای سربلندی در این میدان، آماده شده بود و با اطلاع قبلی و با بصیرت کامل به کربلا آمده، خالصانه برادر خویش را همراهی کرد.

شرح فضائل اخلاقی حضرت زینب «سلام الله علیها» و کاربرد آن فضائل در ثمر بخشی حرکت ایشان، در این جلسه نمی‌گنجد، از این جهت در ادامه، به طور مختصر به برخی از صفات نیکوی آن بانوی فداکار اشاره می‌شود و تفصیل بحث را به فرصت دیگری واگذار می‌کنیم.

تبلور مراتب شجاعت در شخصیت حضرت زینب «ع»

شجاعت، سه مرتبه یا سه معنا دارد؛ مرتبه اول شجاعت، نترسیدن از دیگران به خصوص نترسیدن از افراد زورگو و قدرتمند است. مرتبه دوم شجاعت که بالاتر از معنای اول است، تسلط بر هوی و هوس و نفس امّاره است. اما بالاتر از این دو مرتبه، معنای سوم شجاعت است؛ به این معنا که انسان در جزر و مدّ روزگار خودش را نبازد. زینب مظلومه «سلام الله علیها» از هر سه مرتبه شجاعت، در حدّ اعلای آن برخوردار بودند.

عزت و اقتدار حضرت زینب «ع»

مرتبه اول شجاعت، به خوبی در شخصیت حضرت زینب «سلام الله علیها» ظهور و بروز داشت؛ به گونه‌ای که در دوران اسارت و پس از آن، هیچ‌گاه از افراد زورگویی چون ابن زیاد و حتی یزید نترسید و در برابر سخنان ناحق و بی‌منطق آنان با عزت و اقتدار تمام و با قاطعیت ایستادگی کرد.

در مجلس ابن زیاد، وقتی اسرا وارد مجلس شدند، حضرت زینب «سلام الله علیها» در گوشه‌ای از قصر نشستند که در دید نامحرم نباشند. ابن زیاد رو به سوی ایشان کرد و گفت: دیدی خدا با شما چه کرد؟ حضرت زینب «سلام الله علیها» برخاست و با شدت فراوان فرمود:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ سَيَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَتُحَاجُّ وَ تُخَاصَمُ فَانْظُرْ لِمَنِ الْقُلُوبُ يَوْمَئِذٍ تَكِلُوكَ أُمّكَ يَا ابْنَ مَرْجَانَةَ» [۱]

ایشان به بیان ساده فرمود: تو نمی‌فهمی! ما در این مسافرت، چیزی جز خوبی ندیدیم. اگر شهادت برادرم و اسارت ما و صحنه‌های توهین آمیز توست، به جز خوبی چیزی نیست، زیرا شهادت و اسارت، سرنوشت ما بود و ریشه شما را خواهد سوزاند. تشیع برای همیشه احیاء خواهد شد، اما تو به زودی خواهی مرد. پس، منتظر باش ببین چه کسی رسوا می‌شود؟ مادرت به عزایت بنشیند!

ابن زیاد از این کلمات شجاعانه حضرت زینب «سلام الله علیها» به اندازه‌ای عصبانی شد که دستور قتل حضرت زینب را داد، اما مشیت الهی اقتضا نکرد و نیت شوم او عملی نشد.

در مجلس یزید هم حضرت زینب «سلام الله علیها» با شجاعت تمام، خطبه بسیار کوبنده‌ای خواند. آن جلسه به عنوان جشن پیروزی ترتیب داده شده بود، اما سخنان قاطع حضرت زینب «سلام الله علیها» و امام سجاد «سلام الله علیه» یزید را رسوا کرد و پیروزی ظاهری او را به شکستی مفتضحانه مبدل ساخت.

حضرت زینب «سلام الله علیها» در مجلس یزید، در ابتدای سخنان خود بعد از حمد الهی، خطاب به یزید فرمود: تو فکر می‌کنی که خداوند ما را ذلیل و تو را عزیز کرده است؟ هرگز چنین نیست؛ زیرا خدا به تو مهلت داده است که هرچه می‌خواهی ظلم کنی تا عذاب خود را زیاد کنی. پس، صبر کن و عاقبت خود را ببین. سپس آیه شریفه «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلُ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلُ لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» [۲] را قرائت کرد. در بخش دیگری از خطبه نیز می‌فرماید: ای یزید! تو دشمن پیامبری. تو و کسانی که تو را بر حکومت نشاندد، به زودی خواهید فهمید که ظالمان چه جایگاه بدی دارند. هرچند مجبورم با تو سخن بگویم، اما تو در نزد من خوار و کوچکی! [۳]

رسوایی و ترس یزید، در اثر قاطعیت حضرت زینب و امام سجّاد «ع»

خطبه‌های کوبنده و رفتار شجاعانه و همراه با قاطعیت حضرت زینب و امام سجّاد «سلام‌الله‌علیهما» در شام، چنان تأثیرگذار بود که بنی امیه را رسوا و افتضاح کرد. حتی یزید که در ابتدا ادعای فراوانی در حقانیت خود داشت، در نهایت و پس از آنکه رسوایی او آشکار شد، به ظاهر اظهار پشیمانی کرد و همه تقصیرها را به گردن ابن زیاد انداخت. سپس، برخلاف توصیه برخی اطرافیان، نه تنها اسیران را نکشت، بلکه دستور داد آنان را به همراه تعدادی محافظ به مدینه ببرند و مراعات حالشان را بکنند؛ زیرا فهمید که بیش از این نباید بی‌آبرو شود. هنگام عزیمت کاروان نیز به امام سجّاد «سلام‌الله‌علیه» گفت: خدا لعنت کند پسر مرجانه را، اگر من با پدرت روبرو شده بودم، نمی‌گذاشتم او را بکشند. بعد گفت: تو وقتی به مدینه رسیدی، هر درخواستی داشتی، نامه بنویس تا اجابت کنم. [۴]

حضرت زینب «ع»، مظهر وظیفه شناسی

برخورداری از شجاعت، حتی در مرتبه اول آن، این توان را به انسان می‌دهد که پس از تشخیص وظیفه، به آن وظیفه عمل نماید و هراسی از موانع انجام وظیفه نداشته باشد. حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» چنین بود؛ یعنی شناخت وظیفه و عمل به وظیفه در سیره ایشان، به خصوص در مدت اسارت به خوبی مشهود بود. به عنوان مثال، وقتی وظیفه ایشان اقتضا می‌کرد که سخنرانی کند و با خطبه خواندن، به افشاگری بنی امیه بپردازد، به خوبی به وظیفه خود عمل می‌کرد و از هیچ کس ترس و واهمه نداشت. خطبه‌های حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» در بازار کوفه، مجلس ابن زیاد، بازار شام و مجلس یزید بسیار عالی و کوبنده بود و در تاریخ ثبت شده است. ایشان چنان خطبه می‌خواند که به تعبیر راوی، گویا امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» خطبه می‌خواند. با شروع خطبه ایشان، همه ناگهان ساکت می‌شدند و سخنان آن بانوی بزرگوار را می‌شنیدند. [۵] حتی در همان روزهای اول اسارت، در کوفه، نزدیک بود مردم با اطلاع از حقایق و با افشاگری حضرت زینب، بر علیه بنی‌امیه قیام کنند، اما چون شورش آنان در آن موقعیت، منجر به سرکوب می‌شد و نتیجه مطلوب، یعنی انتشار سراسری موج کربلا را در بر نداشت، امام سجّاد «سلام‌الله‌علیه» مانع آن شدند و فرمودند:

«يَا عَمَّةُ اسْكُتِي ... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُقَهَّمَةٍ» [۶]

عمّه جان صبر کن؛ شما عالم و زن فهمیده‌ای هستید که بدون معلم به این درجه رسیده‌اید. حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» نیز بر حسب وظیفه شناسی سکوت اختیار کرد.

تقوای حضرت زینب «ع»

مرتبه دوم شجاعت، یعنی غلبه بر هوای نفس نیز در شخصیت حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» تجلی بارزی داشت. پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» می‌فرمایند: شجاع‌ترین مردم کسی است که متقی باشد:

«أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ عَلَبَ هَوَاهُ» [۷]

به تعبیر آن نبی گرامی، شجاع‌ترین مردم کسی است که بر نفس خود مسلط باشد؛ به همه واجبات مخصوصاً به نماز اهمیت دهد و در عمل به مستحبات به خصوص نماز شب، انس با قرآن و خدمت به خلق خدا کوشا باشد و از گناهان و حتی مکروهات اجتناب ورزد. چنین کسی با مداومت بر عبادت، به مقام عبودیت نائل خواهد شد.

حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» به مقام عبودیت رسیده بود و چنان در آن مقام پیش رفته بود که امام حسین «سلام‌الله‌علیه» هنگام خداحافظی، از او خواستند که در نماز شب‌های خود، به آن حضرت دعا کند. حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها»، با ریاضت‌های دینی به مقام عبودیت رسیده بود و در آن مقام، از نماز لذت می‌برد؛ زیرا بهترین لذت در مقام عبودیت، نماز، به خصوص نماز شب است. به تعبیر قرآن، نماز شب انسان را به مقام محمود می‌رساند؛ [۸] مقامی که حضرت زینب «سلام‌الله‌علیه» از آن برخوردار بود.

اهتمام حضرت زینب «ع» به نماز شب

نماز شب حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» هیچ‌گاه، حتی در این مسافرت و در شام عاشورا، ترک نشد. شام عاشورا، برای حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» شب سختی بود؛ ایشان علاوه بر مصیبت از دست دادن شش برادر، دچار لشکری درنده‌خو شده بود و

سرپرستی عیال و اهل حرم را نیز بر عهده داشت. اما همین زینب «سلام‌الله‌علیها»، بعد از نماز مغرب و عشا، با کمک ام‌کلثوم خیمه نیم‌سوخته‌ای را علم کردند، امام سجاد «سلام‌الله‌علیه» را در آن خیمه آوردند و به دنبال جمع کردن بچه‌ها از بیابان رفتند؛ بالاخره تا نیمه‌های شب، همه زنان و کودکان را جمع کردند و سپس کسی را فرستادند و از عمر سعد، مشک آبی گرفتند و بچه‌ها را سیراب کردند. وقتی از سر و سامان دادن امور کودکان و زنان فارغ شدند، نزد امام سجاد «سلام‌الله‌علیه» آمدند و نشسته، نماز شب خواندند. امام سجاد «سلام‌الله‌علیه» که از شدت بیماری قادر به نشستن نبودند، خوابیده نماز شب می‌خواندند و پس از نماز، به حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» فرمودند: عمه جان! ندیده بودم که نماز شب را نشسته بخوانید!

همه این وقایع برای ما پیام دارد؛ امام سجاد «سلام‌الله‌علیه» از نماز شب عمه خود در آن شرایط بحرانی تعجب نکردند، بلکه فرمودند: چرا نماز شب را نشسته خواندید؟ حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» نیز پاسخ داد: می‌خواستم بایستم، اما زانوهایم تاب و توان ایستادن نداشت. دو شب پس از عاشورا کاروان اسرا در نیمه‌های شب، به پشت دروازه کوفه رسید. طبق برنامه قبلی، آنها را نگه داشتند تا فردا با حضور مردم و هم‌زمان با جشن پیروزی، وارد کوفه شوند. زینب مظلومه «سلام‌الله‌علیها» در آن موقعیت و در پشت دروازه کوفه نیز نماز شب خواند. در خرابه شام و در طول مسیر مسافرت هم نماز شب حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» ترک نشد.

امنیت دل و آرامش درونی حضرت زینب «ع»

انسان در سایه تقوا، به امنیت دل و آرامش درونی دست می‌یابد. قرآن شریف در سوره انعام، با طرح یک سؤال و ارائه پاسخ روشن آن، نکته دقیقی را به بشریت می‌آموزد. ابتدا می‌پرسد: چه کسی استحقاق دارد که امنیت دل پیدا کند؟ سپس پاسخ می‌دهد: کسی که ایمان را زیربنا و تقوا را ربنای ساختمان دین خود قرار دهد. به تعبیر دیگر، کسی که با اعتقاد راسخ، تقید به ظواهر شرع دارد؛ یعنی به انجام واجبات و مستحبات اهمیت می‌دهد و از محرّمات و مکروهات اجتناب می‌ورزد، به آرامش درون، امنیت دل و اطمینان قلبی خواهد رسید و هدایت الهی نصیب او می‌گردد:

«فَأَيُّ الْقَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» [۹]

حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» از مصادیق این آیه شریفه به شمار می‌رود. ایشان با ایمان قوی و تقوای مثال زدنی، مشمول هدایت خاص الهی بود و از این جهت، در آن بحران سخت، پیروز میدان شد.

ضرورت استقامت در جزر و مدّ روزگار

والاثرین مرتبه از مراتب شجاعت، آن است که انسان در جزر و مدّ روزگار خودش را نبازد و در رویارویی با پیروزی‌های بزرگ یا هنگام رخ دادن مصیبت و بلا و در مواجهه با بحران، شخصیت خود را حفظ کند و صبر و استقامت داشته باشد.

طبق روایتی از رسول خدا «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، دنیا مانند دریایی متلاطم و عمیق است و مخلوقات بسیاری در آن غرق می‌شوند: «الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ» [۱۰]

امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» نیز در بیان ویژگی‌های دنیا، آن را خانه‌ای پیچیده شده در بلا و مصیبت توصیف می‌فرماید: «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْقُوقَةٌ» [۱۱]

اساساً خاصیت دنیا این است که روزی طبق مراد و خواسته انسان است و روزی هم بر خلاف میل او خواهد چرخید. امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» در نامه‌ای به ابن عباس می‌نویسد: «وَاعْلَمْ أَنَّ الدَّهْرَ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ» [۱۲]

بنابراین دنیا برای همه جزر و مدّ و بالا و پایین دارد و همه باید طعم سختی و آسانی را بچشند. باید توجه داشت که جزر و مدّ دریای زندگی در بسیاری از موارد، امتحان بندگان است؛ زیرا اساساً نوع بشر حتماً امتحان می‌شود: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ، وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» [۱۳]

در این میان، انسان شجاع کسی است که در دریای مواج و متلاطم دنیا، خویشتن را نبازد و خود را حفظ کند؛ اما متأسفانه بسیاری از انسان‌ها چنین نیستند. قرآن کریم، انسان را ناشکیا و کم‌طاقت توصیف می‌کند و می‌فرماید: هرگاه شر و صدمه‌ای به انسان برسد و در موضع سختی و بلا واقع شود، بی‌تاب می‌شود و عجز و لابه می‌کند و اگر خیری نصیب او گردد و در رفاه باشد، بخل می‌ورزد:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِيقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمُصَلِّينَ» [۱۴]

نوع انسان سبک‌سر است، یعنی در جزر و مدّ روزگار مثل پَر کاهی، خودش را به حرکت موج‌ها سپرده و به هر سویی پرتاب می‌شود؛ مگر کسی که جداً به مقام عبودیت رسیده باشد، مگر کسی که جداً مانند حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» از نماز شب استفاده کرده باشد. امتحان الهی برای همه، اعمّ از پیر و جوان و زن و مرد، به شکل‌های گوناگون وجود دارد. اگر انسان در امتحان خود را نبازد و استقامت کند، پیروز می‌شود و می‌توان گفت: شجاع است. البته لطف و امداد الهی و هدایت خداوند نیز برای پیروزی در امتحان، لازم است. انسان باید همت و تلاش خود را ضمیمهٔ عنایت پروردگار کند تا موفق شود.

استقامت حضرت زینب «ع»

حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» از مرتبهٔ سوّم شجاعت نیز به خوبی برخوردار بود. به خصوص در دورهٔ اسارت که برای ایشان یک دریای پر تلاطم و مواج بود، به اعتراف دوست و دشمن، از عهدهٔ وظیفه و مسئولیت خود برآمد و هجوم مصائب و بلاها او را منزوی و منفعل نکرد. مثلاً در شام عاشورا پس از دیدن داغ شش برادر و دو فرزند و تحمّل مصائب فراوان، وظیفهٔ حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» آن بود که گریه نکند و با صلابت و استواری، زنان و کودکان را که در بیابان متفرّق شده بودند، جمع کرده، از آنان محافظت نماید. ایشان در آن شرایط سخت و حتی با مشاهدهٔ صحنه‌ای که در آن دوتن از بچه‌ها دست به گردن یکدیگر، از فرط تشنگی از دنیا رفته بودند، مانند یک شیرمرد به خوبی ایفای نقش کرد.

خطبه‌های حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» و سخنرانی افشاگرانهٔ ایشان در کوفه و شام، در حالی که چند روزی از عاشورا نمی‌گذشت، ناشی از استقامت و استواری آن حضرت بود.

حیا، عفت و غیرت حضرت زینب «ع»

آنچه به خصوص در زمان حاضر توجه جدی می‌طلبد، این است که خاندان وحی، از ابتدای مسافرت تا رسیدن به کربلا و پس از آن در دوران اسارت، هیچ‌گاه در حفظ حجاب خود کوتاهی نکردند و همواره پوشش مورد نظر اسلام را مراعات کردند. آنان در رعایت حیا نیز بسیار کوشا بودند و حتی در شرایط بحرانی اجازه ندادند، نامحرم به آنها خیره شود و خود نیز باحیا و با وقار بودند. زینب «سلام‌الله‌علیها» در این زمینه نیز قافله سالار بود و همواره با غیرت خاصی از حجاب، حیا و عفت زنان کاروان مراقبت می‌کرد. در مجلس یزید که قبلاً به برخی خصوصیات آن اشاره شد، وقتی حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» احساس کرد که زنان و دختران اهل بیت در معرض دید افراد نامحرم قرار دارند، با تندى فرمود:

«أَمِنْ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الْإِطْلَقِ تَحْدِيرُكَ حَرَائِرَكَ وَإِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتِ سُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتِ وُجُوهَهُنَّ تَخْذُو بِهِنَ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ» [۱۵]

ای فرزند رهاشدگان [۱۶]، آیا این از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را در امنیت و پشت پرده بنشانی و دختران پیامبر خدا را در بند اسارت و در برابر دید دشمنان، در این شهر و آن شهر بگردانی؟

در روز یازدهم محرم هم وقتی افراد لشکر دشمن برای سوار کردن زنان و کودکان و بردن آنها به کوفه آمدند، حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» به آنها تشر زد و اجازه نداد نزدیک زنان و دختران شوند. سپس، گرچه مشقت داشت، اما برای رعایت حیا و عفت، خود ایشان با کمک امّ کلثوم، زنان و کودکان را سوار بر مرکب کردند. افزون بر این، برای تحریک عواطف و بیدار شدن کوفیان، نحوهٔ قرار گرفتن آنها در مرکب را طوری طراحی و برنامه ریزی کردند که هر کودک یتیم در دامن یکی از زنان بنشیند.

حضرت زینب «ع»، سرمشق زندگی

نتیجهٔ عملی و اخلاقی بحث امشب این است که همه باید با مطالعهٔ سیرهٔ اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» آن بزرگواران را سرمشق خود قرار دهند.

نهیضت امام حسین «سلام‌الله‌علیه» درس‌های اخلاقی فراوانی دارد و شیعیان باید علاوه بر عزاداری، به نکات درس آموز نهضت حسینی توجه و عمل نمایند. عاشورا، فضائلی همچون، صبر، ایثار، شجاعت و شهادت طلبی را به بشریت می‌آموزد. به خصوص دقت در سیرهٔ امام حسین «سلام‌الله‌علیه» و حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» و پیروی از آن بزرگواران سازندگی اخلاقی و معنوی دارد و راه انسان را در سلوک معنوی هموار می‌سازد.

امام حسین «سلام الله علیه» به خاطر دین خدا، از همه چیز خود، حتی از بچه شیرخوار خود گذشت، جوانان عزیز باید با الگوگیری از ایشان، به خاطر دین خدا، دست کم از هوی و هوس خود بگذرند و گناه نکنند؛ از دروغ، غیبت، تهمت و شایعه پرهیزند و با اجتناب از حق الناس و آزار و اذیت مردم، به واجبات مخصوصاً نماز اهمیّت بدهند و در خدمت به خلق خدا کوشا باشند.

همه باید حضرت زینب «سلام الله علیها» را سرمشق خود قرار دهند و با رعایت تقوا و مداومت بر عبادت، به مقام عبودیت برسند. اهتمام حضرت زینب به نماز شب، باید الگوی جوانان باشد تا موفق شوند.

شجاعت شگفت‌آور حضرت زینب «سلام الله علیها» باید در زندگی شیعیان جاری شود و همه در شناخت وظیفه و عمل به وظیفه از همدیگر سبقت بگیرند.

پی‌نوشت‌ها

=====

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶

۲. آل عمران / ۱۷۸

۳. بحار الأنوار، ج ۴۵؛ ص ۱۳۴

۴. الإرشاد للمفید، ج ۲، ص ۱۲۲

۵. الالهوف، ص ۱۴۶

۶. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵

۷. امالی الصدوق، ص ۲۱

۸. اسراء، ۷۹

۹. انعام، ۸۱ و ۸۲

۱۰. تفسیر الامام العسکری (ع)، ص ۴۳۱

۱۱. نهج البلاغة، ص ۳۴۸

۱۲. نهج البلاغة؛ ص ۴۶۲

۱۳. العنکبوت / ۲-۳

۱۴. المعارج / ۱۹-۲۲

۱۵. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸

۱۶. اشاره به فتح مکه و بخشیده شدن ابوسفیان و معاویه توسط پیامبر «ص»